

بازتاب قرآن و احادیث و روایات در اشعار علامه حسن زاده‌ی آملی

جواد عابدی

کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد چالوس

چکیده:

آن چه را که موجب دل نشینی و زیبایی ادبیات منظوم می شود، به کارگیری درست از آرایه های ادبی است و اوج کارجایی است که کلام از سرچشمه ی فیض انوار یگانه آفریدگار هستی و قرآن و سخنان ائمه ی معصومین (علیهم السلام) برگرفته باشد و اگر اثر هنری با این ویژگی آمیخته باشد، ماندگار و تأثیرگذارتر خواهد بود. علامه ی یگانه، حضرت حسن حسن زاده ی آملی، عارف وارسته ای است که با اشعاری که به یادگار گذاشته اند، هنر خود را در ساحت های ادبی کلام (موسیقی شعر، بیان و بدیع) به نمایش درآورده اند. ایشان آن چنان به تعالیم و علوم قرآنی و الهی و احادیث و روایات و سخنان بزرگان آشنایی و احاطه کامل دارند که به شیوه های گوناگون ادبی به ویژه «تلمیح» در سرودن اشعارشان بهره جسته اند. این مقاله، تلاشی در جهت بازنمایی و شناساندن چشمه هایی از «بازتاب قرآن و احادیث و روایات» در اشعار علامه حسن زاده ی آملی است که به روش «توصیفی-تحلیلی» انجام گرفته است.

واژه های کلیدی: دیوان اشعار، علامه حسن زاده ی آملی، قرآن و احادیث، تلمیح

۱-مقدمه

هنرسلحی دردست هنرمنداست که با آن هرچیزی ماندگار خواهد بودو ادبیات (منظوم و منثور) یکی از آن است. در طی روزگاران گذشته شاعران و سخنوران بسیاری بابه گیری ازساحت های ادبی کلام (موسیقی شعر، بیان و بدیع)، آثاری ارزشمند به یادگار گذاشته اندکه هرکدام موجب آراستگی جان و روح می باشندودرجایی تأثیرپذیری کلام رابه اوج می رسانندکه چشمه ی وجود رابه سرچشمه ی فیض انوارالهی (قرآن) و سخنان بسیارگران قدرآئمه ی معصومین (علیه السلام) پیوند می دهند.

آثار تعلیمی که آمیخته از عرفان و ادب است و از فیض انوار خدادادی برگرفته است، زنگار از هر دلی می زدایند، آثار بزرگانی مانند: سنایی، سعدی، مولوی، حافظ و... زمانی دل سرشار از ذوق و شوق می گردد که نور هدایت حق بر او بتابد، این بزرگان کسانی بوده اند که دل های خود را در زیر تابش خورشید معرفت حق قرار داده اند و از آلودگی ها زدوده اند.

روشن است که شاعر در دشت واژه ها، سوار بر توسن خیال چنان می تازد تا جلوه هایی نوبیا فریند. علامه حسن زاده ی آملی عارف وارسته ای است که آگاهانه و با احاطه ی کامل که از علوم قرآنی و احادیث و روایات داشته اند، به خوبی، آن ها را شیرازه ی کلام و شعر خود نموده اند و تأثیر پذیری کلام رابه اوج رسانده اند.

در زمینه ی تأثیر پذیری اشعار علامه از منظر منابع «قرآنی و احادیث و روایات» پژوهشی شایسته صورت نگرفته است و همین امر، موجب آفرینش این پژوهش شده است.

۲- شرح حال علامه حسن زاده ی آملی به اختصار

۲-۱- تولد و اشتها به زبان خودشان:

در روزهای پایانی اسفندماه سال ۱۳۰۷ ه.ش، در روستای ایرای لاریجان آمل به دنیا آمد، از پدری الهی، بنام عبدالله و مادری باایمان، پاک و پارسا. (برزگر، ۱۳۹۰: ۲۳) «...از سوی بنده ی خدا، حسن طبری آملی، مشهور به حسن زاده ی آملی که از زبان استادش، العلم الآیه العلامه آقای شعرانی ملقب به نجم الدین است.» (بدیعی، ۱۳۹۰: ۴۰۵) «تحصیلات ابتدایی را در دو مدرسه سپری کردم. یکی مدرسه ی دانش به مدیریت آقای علی محمد دانش که یک مسلمان واقعی بود و مدرسه دیگری که الان اسم آن را امام خمینی گذاشته اند. پس از آن که لطف الهی یار شد و توفیق آن سویی مددکار، در مهر سال ۱۳۲۳ ه.ش، برابر با شوال سال ۱۳۶۳ ه.ق، در مسجد جامع آمل به تحصیل مشغول شدم. از همان ابتدای کودکی و دوران دبستان، عشق عجیبی به دیوان شعرا و نظم و شعر داشتم و اشعاری هم، سرهم می کردم. روی این ذوق، همان وقت تمام دوبیتی های باباطاهر، رباعیات ختیم و موش و گربه ی عبیدزاکانی و در دوره ی طلبگی، بیش تر اشعار حافظ و سعدی و مولوی و دیگران را حفظ کردم.» (برزگر: ۴۹-۲۹)

۲-۲- آثار حضرت علامه:

حضرت استاد آثار بسیار ارزشمندی رابه ارمغان گذاشته اند که بیش از ۱۷۹ اثر می باشد که در این مجال اندک به تعدادی از آن ها واز زبان خودشان اشاره می گردند.^۱

«۱. نصوص الحکم برفصوص الحکم (شرح فصوص فارابی به فارسی). ۲. هزارویک نکته. ۳. دیوان اشعار. ۴. دفتر دل که بادبان اشعار چاپ شده است. ۵. الهی نامه. ۶. شرح نهج البلاغه در پنج جلد به عربی. ۷. دروس علم هیأت و دیگر رشته های ریاضی در دو

۱. نک به: کتاب «نجم الدین» نیم نگاهی به زندگی نامه ی حضرت آیت الله حسن حسن زاده ی آملی / محسن برزگر - قم: اشک یاس، ۱۳۹۰.

جلد ۸. نور علی نور در ذکر و ذاکر و مذکور. ۹. شرح باب توحید حدیقه الحقائق سنایی غزنوی. ۱۰. گنجینه ی گوهر روان، در آدله تجرد نفس ناطقه. ۱۱. انسان در عرف عرفان. ۱۲. مصادر اشعار دیوان منسوب به امام امیرالمؤمنین علی (ع). ۱۳. تصحیح و تعلیق کتاب الدرالمکنون والجوهر المصون فی علم الحروف، للشیخ الاکبر محیی الدین. ۱۴. تصحیح و تعلیق الهیات شفای شیخ الرئیس. ۱۵. تصحیح اسفار اربعه ی صدر المتألهین در حکمت متعالیه. ۱۶. تصحیح و تعلیق کتاب نفس شفا. ۱۷. تصحیح و تحشیه گلستان شیخ أجل سعدی، اگر چه ناشر آن به جرم این که من جوانی گمنام بودم، نامی از من به عنوان مصحح نبرده است. ۱۸. ترجمه ی مدینه ی فاضله فارابی و تعلیقات آن به فارسی. ۱۹. انسان و قرآن. ۲۰. شرح برخی از اشعار خواجه حافظ شیرازی. ۲۱. مثنوی عارف رومی را از اول تا آخر تصحیح کرده و ابیاتی را که به یک معنی اند، در یک جا گرد آورده ام. ۲. امثال طبری، این امثال که در مرز و بوم طبرستان رایج است به بیش از هزار مثل می رسد که به ترتیب حروف الفبای بیست و هشت باب تنظیم یافته است. ۲۳. تصحیح کلیله و دمنه، و تعلیقات و مقدمه ای بر آن و ترجمه ی دوباب دیگر آن. ۲۴. نامه هابرنامه. (همان: ۱۷۳-۱۴۹)

۳- پیشینه ی تحقیق

در زمینه ی آرایه ی «تلمیح»، جسته و گریخته پژوهش ها و مقالاتی به چاپ رسیده است که به تعدادی از آن ها اشاره می شوند.

- تحلیل و بررسی توانمندی سنایی غزنوی در بکارگیری هنری قرآن، (شفیع صفاری، محمدرضا، ۱۳۹۰)، فصلنامه ی لسان مبین، شماره ی ۴. (پایگاه اطلاع رسانی مقالات)^۲

- تلمیحات قرآنی و تاریخی در قصیده ی بائیه صالح الکوآز، (موسوی گرمارودی، سیدمرتضی، ۱۳۹۲)، فصلنامه ی پژوهشی تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، شماره ی ۱۲.

- تجلی قرآن و حدیث در گلشن راز شیخ محمود شبستری، (عربی، فرشاد)، فصلنامه ی علمی پژوهشی زبان و ادبیات فارسی ادب و عرفان، بی تا.

۴- تلمیح

تلمیح در لغت، «اشاره کردن به چیزی، اشاره کردن به قصه یا مثلی مشهور یا آوردن اصطلاحات علمی در شعر» است. (فرهنگ معین، ۱۳۸۱: ۱۱۳۵) و در اصطلاح آن است که اشاراتی ضمنی به گذشته های دور، اساطیر و داستان های معروف و زبانزد در شعر بکنند. آوردن امثال و آیات و احادیث هم می تواند مشمول تعریف تلمیح گردد:

لب شیرین ارشیرین بدیدی در سخن گفتن براوشکرانه بودی گریبادی ملک پرویزت (سعدی)

که اشاره به شیرین و خسرو پرویز شده است. (فشارکی، ۱۳۸۷: ۱۴۴)

۶- بررسی مسائل هنری اشعار استاد علّامه

در این جا هنرنمایی و توانمندی استاد در بهره گیری از نکات بلاغی با پشتوانه بر آیات قرآنی و احادیث و روایات در اشعارشان بررسی می شود.

شداز جیب افق پیدارخ نورانی بیضا که روشن شد جهان یکسرازان حورای بزم آرا (دیوان اشعار، ۱۳۹۱: ۳۱)

^۲. پایگاه اطلاع رسانی مقالات «sid» به آدرس: www.sid.ir

اشاره دارد به فرازی از دعای کمیل: «... بِنُورٍ وَجْهَكَ الَّذِي أضاءَ لَهُ كَلْشَىءٌ...» (قمی، مفاتیح الجنان: ۱۰۲)
دنیابانداردباکس وفاندارد خواهیدگربقارا، خوانیدباوفارا (همان: ۳۲)

اشاره دارد به فرازی از دعای کمیل: «...و خدعتنی الدنيا بغرورها و نفسی بجنایتها و مطالی...» (همان: ۱۰۳)
طاعت عادی تو بعد زحق آورد کیست مصلی کسی کاوست مناجی دوست (همان: ۳۴)

اشاره دارد به فرازی از دعای کمیل: «...وَأَسْأَلُكَ بِجُودِكَ أَنْ تُدَيِّنِي مِنْ قُرْبِكَ...» (قمی، مفاتیح الجنان: ۱۰۲)
هرروزروزگاربه رسم دگرمرآ اشک بصرفزایدوخون جگرمرآ (همان: ۳۶)

اشاره دارد به فرازی از دعای کمیل: «...و لَابِكِينَ عَلَيْكَ بَكَاءُ الْفَاقِدِينَ وَ لَانَادِيكَ أَيْنَ كُنْتَ يَا وَلِيَّ الْمُؤْمِنِينَ يَا غَايَةَ أَمَالِ الْعَارِفِينَ...» (همان: ۱۰۶)

ساقی به حق جام شراب طهوردوست هرگزمدارتنشنه ی دورازنظرمرآ (همان: ۳۷)

اشاره است به سوره ی مبارکه ی انسان، آیه ی ۲۱: «غَالِيَهُمْ ثِيَابٌ سُنْدُسٌ خُضْرٌ وَإِسْتَبْرَقٌ وَحُلُّوا أَسَاوِرَ مِنْ فِضَّةٍ وَسَقَاهُمْ رَبُّهُمْ شَرَابًا طَهُورًا.»

صباگوآن امیرکاروان را مراعاتی کنداین ناتوان را (همان: ۳۹)

اشاره دارد به فرازی از دعای کمیل: «...اللهم انی استلک سوال خاضع متذلل خاشع ان تسامحنی و ترحمنی و...» (قمی، مفاتیح الجنان: ۱۰۲) زسیحان الّذی اسری بعیده عروج حضرت ختمی مکان را (همان: ۴۰)

اشاره دارد به سوره ی مبارکه ی اسراء، آیه ی ۱: «سبحان الّذی اسری بعیده.»

دردمردرمان کنددشوارمن آسان کند هرچه که خواهدآن کندحکم است آن فرزانه را (همان: ۴۲)

اشاره دارد سوره ی مبارکه ی آل عمران آیه ی ۲۶: «قُلِ اللَّهُمَّ مَالِكِ الْمُلْكِ تُؤْتِي الْمُلْكَ مَنْ تَشَاءُ وَتَنْزِعُ الْمُلْكَ مِمَّنْ تَشَاءُ وَتُعِزُّ مَنْ تَشَاءُ وَتُدَلِّلُ مَنْ تَشَاءُ بِيَدِكَ الْخَيْرُ إِنَّكَ عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.»

بی تابم ازدرد فراق طاقت زمن گردیده طاق تاکی رسدروز طلاق بینم رخ جانانه را (همان: ۴۲)

فرازی از دعای کمیل: «...یا الهی و سیدی و مولای و ربی، صبرت علی عذابک، فکیف اصبر علی فراقک...» (مفاتیح الجنان: ۱۰۶)
جان که بامنطق وحی است وسروش است به هوش ندهدگوش دگریاوه ی افواهی را (همان: ۴۳)

سوره ی آل عمران آیه ی ۱۶۷: «... يَقُولُونَ بِأَفْوَاهِهِمْ مَا لَيْسَ فِي قُلُوبِهِمْ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا يَكْتُمُونَ»

آنی که دل آرام ازوآنی که دل راکام ازو آنی که دل رانام ازوآنی که ذکره شفا (همان: ۴۵)

اشاره است به سوره ی مبارکه ی رعد، آیه ی ۲۸: «الَّذِينَ آمَنُوا وَ تَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ» وهم چنین اشاره به دعای یامن اسمه دواوذکره شفا.

فروزان ازفروغ آیت «الله نور»، ای دل چه باکش گرناردشب پره یارای دیدن ها (همان: ۴۸)

- اشاره است به سوره ی مبارکه ی نور آیه ی ۳۵: «اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ...»
- حجاب دیده ی دل گرددت آمال دنیوی کجایدن توانی تابوداین گونه دیدن ها (همان: ۴۹)
- اشاره است به سوره ی مبارکه ی آل عمران، آیه ی ۱۸۵: «... وَ مَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعُ الْغُرُورِ.»
- بازدلم آمده درپیچ وتاب انقلب ینقلب انقلاب (همان: ۵۱)
- اشاره است به سوره ی مبارکه ی انفال، آیه ی ۲: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَتْ قُلُوبُهُمْ...»
- مظهرچه و ظاهرکه مجلی چه ومجلی اول که وآخرکه وحاضرکه وغایب (همان: ۵۲)
- اشاره است به سوره ی مبارکه ی حدید، آیه ی ۳: «هُوَ الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ وَالظَّاهِرُ وَالْبَاطِنُ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ.»
- داروجود، نظم تمام است بی گزاف بانظم تام، خواجه چه جای شکایت است؟ (همان: ۵۵)
- اشاره است به سوره ی فصلت، آیه ی ۵۳: «سَنُرِيهِمْ آيَاتِنَا فِي الْآفَاقِ وَ فِي أَنفُسِهِمْ حَتَّىٰ يَتَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ...»
- بس که درسجف ثخینی نشنیدی سخنی لاجرم حال تواز حال بهایم بتراست (همان: ۵۹)
- اشاره داردبه: «أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ أُولَئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ» (سوره ی الاعراف آیه ی ۱۷۹)
- چه وعیدم دهی ای واعظ دلمرده زمرگ کاین سرای سپری یکسره زندان من است (همان: ۶۶)
- اشاره داردبه حدیث نبوی: «انما الدنيا سجن المؤمن و جنة الكافر.»
- جزمطهرنکندمس ونگردددمسوس آن که قرآن سمت اندر تن وجان آمده است (همان: ۷۳)
- اشاره است به سوره ی الواقعة، آیه ی ۷۹: «لَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ.»
- دوست بگودوست که یادش نکوست تانگری نیست جزاو، اوست اوست (همان: ۷۴)
- اشاره است به سوره ی بقره، آیه ی ۲۵۵: «اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ...»
- زحمل بارامانت اگرچه تن خسته ست به «ن والقلم» لوح دل کتاب ای دوست (همان: ۷۵)
- اشاره است به سوره ی القلم، آیه ی ۱: «ن وَالْقَلَمِ وَمَا يَسْطُرُونَ.»
- دیده ی جانم زنورآیت «اللّه نور» بنگرددجزاوکسی ازدار ومن فی الدارنیست (همان: ۸۶)
- اشاره داردسوره ی مبارکه ی نور، آیه ی ۳۵: «اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ مَثَلُ نُورِهِ كَمِشْكَاةٍ فِيهَا مِصْبَاحٌ...»
- جزسوزوگدازچاره ای نبود کاین راه به زور و زر ودرهم نیست (همان: ۸۴)
- اشاره است به سوره ی بقره، آیه ی ۲۵۶: «لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ...»
- پیرماگفت به جزبودخدابودی نیست بادب باش جزاوشاهدومشهودی نیست (همان: ۹۰)
- اشاره است به سوره ی بقره، آیه ی ۱۱۵: «...فَأَيْنَمَا تُوَلُّوا فَتَمَّ وَجْهُ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ وَاسِعٌ عَلِيمٌ.»

ای که به ليله القدر کربیان بالا اسرار هر دو عالم گویند موبه موبت (همان: ۹۳)

سوره ی مبارکه ی قدر، آیه ی ۴: «تَنْزِيلُ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحِ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِّنْ كُلِّ أَمْرٍ.»

از خدمت نفست ببری دوست که این دون گرگی ست که هرگز نشود رام و دگر هیچ (همان: ۹۵)

اشاره است به سوره ی یوسف، آیه ی ۵۳: «... إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ إِلَّا مَا رَحِمَ رَبِّي إِنَّ رَبِّي غَفُورٌ رَّحِيمٌ.»

حسبنا الله ونعم الوكيل از جان و دل هر چه بگرفته ست بگرفته ست و هر چه داد، داد (همان: ۹۶)

اشاره است به سوره ی آل عمران، آیه ی ۱۷۳: «الَّذِينَ قَالَ لَهُمُ النَّاسُ إِنَّ النَّاسَ قَدِ جَمَعُوا لَكُمْ فَاعشَوْهُمْ فَرَّادَهُمْ إِيمَانًا وَقَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ.»

صور اسرافیل عشق است و خروش اوست اوست داد میکائیل کیل است و ندای داد، داد (همان: ۹۶)

اشاره است به سوره ی یس، آیه ی ۵۱: «وَنُفِخَ فِي الصُّورِ فَإِذَا هُم مِّنَ الْأَجْدَاثِ إِلَىٰ رَبِّهِمْ يَنسِلُونَ.»

سخن دیر کهن از دهن و هم نکوست کلّ یوم هوفی شأن تیر ادراد (همان: ۹۷)

اشاره است به سوره ی الرحمن، آیه ی ۲۹: «يَسْأَلُهُ مَن فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ كُلَّ يَوْمٍ هُوَ فِي شَأْنٍ.»

فرو آمد به شهر الله قرآن زهفتم آسمان به به خوش آمد (همان: ۱۰۶)

سوره ی بقره، آیه ی ۱۸۵: «شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ هُدًى لِّلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِّنَ الْهُدَىٰ وَالْفُرْقَانِ...»

جز خداوند نبوده ست در اندیشه ی تو که جزای تو خداوند به احسان آمد (همان: ۱۰۸)

اشاره است به سوره ی الرحمن، آیه ی ۶۰: «هَلْ جَزَاءُ الْإِحْسَانِ إِلَّا الْإِحْسَانُ.»

چشمه ی آب حیات است دهانی که ازو همه درس و همه بحث و همه تبیان آمد (همان: ۱۰۸)

سوره ی نحل، آیه ی ۸۹: «... هَؤُلَاءِ وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تَيِّبَاتًا لِّكُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً وَبُشْرَىٰ لِّلْمُسْلِمِينَ.»

تن خاکی به سوی خاک روان است ولی دل عرشى به سوی عرش خرامان آمد (همان: ۱۰۸)

اشاره است به سوره ی انبیا، آیه ی ۳۵: «كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ وَنَبَلُّوكُم بِالشَّرِّ وَالْخَيْرِ فِتْنَةً وَإِلَيْنَا تُرْجَعُونَ.»

حمد لله که حسن تازندای خوش دوست ارجعی را بشنیده ست غزل خوان آمد (همان: ۱۰۹)

اشاره است به سوره ی الفجر، آیه ی ۲۸: «ارْجِعْ إِلَىٰ رَبِّكَ رَاضِيَةً مَّرْضِيَةً.»

ای شده مغرور به دار الغرور قد خسر الغافل یوم النشور (همان: ۱۱۶)

اشاره است به سوره ی العصر، آیه ی ۲: «إِنَّ الْإِنْسَانَ لَأَفَىٰ خُسْرٍ.»

فی ظلّمه اللیل تناجی الاله تکلم الله کموسى بطور (همان: ۱۱۷)

اشاره است به سوره ی النساء، آیه ی ۱۶۴: «وَرُسُلًا قَدْ قَصَصْنَاهُمْ عَلَيْكَ مِن قَبْلُ وَرُسُلًا لَّمْ نَقُصِّصْهُمْ عَلَيْكَ وَكَلَّمَ اللَّهُ مُوسَىٰ تَكْلِيمًا.»

وحشت از خلق چه داری که خدای است انیس عزّت از خلق چه خواهی ز خدای است اعزاز (همان: ۱۱۸)

اشاره است به سوره ی الطلاق، آیه ی ۳: «وَيَرْزُقُهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ...» ومصراع دوم اشاره است به سوره ی المنافقون آیه ی ۸: «يَقُولُونَ لَئِنْ رَجَعْنَا إِلَى الْمَدِينَةِ لَيُخْرِجَنَّ الْأَعَزُّ مِنْهَا الْأَذَلَّ وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ...»

قدمی در نه و دربردسبق گویی زن دانه ای کار «بر» ی می بروی کارمباش (همان: ۱۲۱)

اشاره است به سوره ی المائده، آیه ی ۲: «...وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ...»

کاف ونون ست چو کان گهرغیب وشهود جومقام «کن» ودراندک وبسیارمباش (همان: ۱۲۱)

اشاره است به سوره ی یس، آیه ی ۸۲: «إِنَّمَا أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ.»

بوالعجب خانه ی پرنقش ونگاری ست جهان صنع نقّاش ببین وهرنرمعمارش (همان: ۱۲۲)

سوره ی آل عمران، آیه ی ۶: «هُوَ الَّذِي يُصَوِّرُكُمْ فِي الْأَرْحَامِ كَيْفَ يَشَاءُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ.»

ازپیروی نفس مُخبط دل ازمقامش گردیده منحط (همان: ۱۲۵)

اشاره است به سوره ی بقره، آیه ی ۲۷۵: «الَّذِينَ يَأْكُلُونَ الرِّبَا لَا يَقُومُونَ إِلَّا كَمَا يَقُومُ الَّذِي يَتَخَبَّطُهُ الشَّيْطَانُ...»

بآب حیات چشمه ی عشقت بسرشته ای ازازل گیل عاشق (همان: ۱۳۲)

اشاره داردبه سوره مبارکه ی اعراف، آیه ی ۱۶: «...قَالَ أَنَا خَيْرٌ مِّنْهُ خَلَقْتَنِي مِن نَّارٍ وَخَلَقْتَهُ مِن طِينٍ.»

شد گاه وصل دلدار، قم ایها المزمّل آمد زمان دیدار، قم ایها المزمّل (همان: ۱۳۹)

سوره مبارکه ی مزل، آیه ی ۱: «ياايها المزمّل.»

توکه نزدیک ترازمن به منی می دانی که من خسته دل ازراه دراز آمده ام (همان: ۱۴۰)

اشاره داردبه سوره مبارکه ی ق، آیه ی ۱۶: «وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ وَنَعَلَّمَ مَا تَوْسُوْسُ بِهِ نَفْسَهُ وَنَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ.»

ای واقف سروعیان ای آشکاراونهان ازبندرنجم وارهان من کیستم؟ من کیستم؟ (همان: ۱۴۱)

سوره مبارکه التغابن، آیه ی ۴: «يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَيَعْلَمُ مَا تُسِرُّونَ وَمَا تُعْلِنُونَ...»

گفتی که در آفاق وانفس سیربنما ونظر تازین نظریابی نشان ازبی نشان گفتم به چشم (همان: ۱۴۷)

اشاره داردبه سوره مبارکه ی فصلت، آیه ی ۵۳: «سَتَرِيهِمْ آيَاتِنَا فِي الْأَفَاقِ وَفِي أَنْفُسِهِمْ...»

غافل ازقافله بودم به سحرگاه سفر راه دوراست وکتل هابه مقابل، چه کنم؟ (همان: ۱۵۸)

اشاره داردبه سوره مبارکه ی البلد، آیه ی ۴: «لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي كَبَدٍ.»

یک شب این بی قدریاهویی کشیدازعشق گفتا تاشب قدراست من ارزنده ام دیگرچه خواهم (همان: ۱۶۱)

اشاره به شب قدر وسوره ی مبارکه ی قدر دارد.

راه دشواراست وتن ازکارترسان است یاران دل خریداراست کاین ره راه جانان است یاران (همان: ۱۶۷)

اشاره است به دعای ابوحمزه ی ثمالی: «...یا رب راهبا راغباً راجحاً خائفاً...» (قمی، مفاتیح الجنان: ۳۰۸)

فکر یک ساعت به از هفتادساله طاعت است پیردانا را چه خوش سازی شعار خویشتن (همان: ۱۷۰)

اشاره است به حدیث نبوی: «تفکر ساعه خیر من عباده سبعین سنه.» (محدث نوری، مستدرک الوسائل، (۱۳۷۸)، موسسه آل البيت، ج ۲: ۱۰۵)

عقل ره پیمودا ما از بزوغ و از افول عشق فریادش بر آمد لا حبّ الاقلین (همان: ۱۷۵)

سوره مبارکه ی الانعام، آیه ی ۷۶: «فَلَمَّا جَنَّ عَلَيْهِ اللَّيْلُ رَأَىٰ كَوْكَبًا قَالَ هَذَا رَبِّي فَلَمَّا أَفَلَ قَالَ لَا أُحِبُّ الْإِفْلِينَ.»

ای نفس سرکش شرمی زالله از ما چه خواهی ای دیوگمراه؟ (همان: ۱۸۰)

سوره ی یوسف، آیه ی ۵۳: «وَمَا أُبْرِيءُ نَفْسِي إِلَّا النَّفْسَ لَأَمَّارَةً بِالسُّوءِ إِلَّا مَا رَحِمَ رَبِّي إِنَّ رَبِّي غَفُورٌ رَحِيمٌ.»

چشم طمع از مال جهان پاک بیستیم از اندک و بسیار گذشتیم، علی الله (همان: ۱۸۴)

اشاره دارد به سوره مبارکه ی انفال، آیه ی ۲۸: «وَاعْلَمُوا أَنَّمَا أَمْوَالُكُمْ وَأَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ وَأَنَّ اللَّهَ عِنْدَهُ أَجْرٌ عَظِيمٌ.»

ای نبرده به کوی دلبر راه سوزی از شعله های حسرت و آه (همان: ۱۸۵)

اشاره دارد به سوره مبارکه ی الحاقه، آیه ی ۵۰: «وَإِنَّهُ لَحَسْرَةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ.»

سحرگاهی دل آگاهی چه می نالید از حسرت که آه از عمر بی حاصل ولی آهسته آهسته (همان: ۱۸۷)

اشاره دارد به سوره مبارکه ی الذاریات، آیه ی ۱۸: «وَبِالْأَسْحَارِ هُمْ يَسْتَعْفِفُونَ.»

ذره ای نیست در همه عالم نبود بی قرار یعنی چه؟ (همان: ۱۹۰)

اشاره دارد به سوره مبارکه ی یس، آیه ی ۴۰: «لَا الشَّمْسُ يَنْبَغِي لَهَا أَنْ تُدْرِكَ الْقَمَرَ وَلَا اللَّيْلُ سَابِقُ النَّهَارِ وَكُلٌّ فِي فَلَكٍ يَسْبَحُونَ.»

رجب آن بود و شعبانم چنین است نجات از چنگ هرافسانه ام ده (همان: ۱۹۵)

سوره اطلاق، آیه ی ۲: «...ذَالِكُمْ يُوَعِّظُ بِهِ مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا.»

شرف نفس گر آلوده نگر دد به هوا همه نوراست و سروراست و بها آسوده (همان: ۱۹۶)

سوره ص، آیه ی ۲۶: «يَا دَاوُودُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ فَاحْكُمْ بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ وَلَا تَتَّبِعِ الْهَوَىٰ فَيُضِلَّكَ عَن سَبِيلِ اللَّهِ...»

رشته ی مهر و وفاتان شود بگسسته باش بر عهدالستی به بلی آسوده (همان: ۱۹۶)

سوره اعراف، آیه ی ۱۷۲: «... أَلَسْتَ بِرَبِّكُمْ قَالُوا بَلَىٰ شَهِدْنَا أَنْ تَقُولُوا يَوْمَ الْقِيَامَةِ...»

هرگز نرسد کسی به جایی تا از خودی اش نشد روانه (همان: ۱۹۸)

سوره ی الشمس، آیات ۷ و ۸: «وَنَفْسٍ وَمَا سَوَّاهَا» و «فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا.»

چون نبالم به خود که صنع توام؟ گوهری شب چراغ یکدانه (همان: ۲۰۰)

- سوره ی المؤمنون، آیه ی ۱۴: «... ثُمَّ أَنْشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ.»
بیچاره حسن نالدو گوید که خدایا گر حل نکنی مشکلم ای وای به من وای (همان: ۲۰۱)
- سوره ی مبارکه ی المؤمنون، آیه ۶۰: «وَالَّذِينَ يُؤْتُونَ مَا آتَوْا وَقُلُوبُهُمْ وَجِلَةٌ أَنَّهُمْ إِلَىٰ رَبِّهِمْ رَاجِعُونَ.»
چون پدرای پورا دم مظهراسماستی مظهراسماستی وشاهدیکتاستی (همان: ۲۰۲)
- سوره ی مبارکه ی بقره، آیه ی ۳۱: «وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا ثُمَّ عَرَضَهُمْ عَلَى الْمَلَائِكَةِ...»
گر جرعه ای از میکده ی عشق بنوشی دانی به که وابسته دل وهمنفسی (همان: ۲۰۴)
- سوره ی المؤمنون، آیه ی ۸۸: «قُلْ مَنْ بِيَدِهِ مَلَكُوتُ كُلِّ شَيْءٍ وَهُوَ يُجِيرُ وَلَا يُجَارُ عَلَيْهِ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ.»
ذات یکتای وجوداست وشؤون صمدی جز خدا نیست درین کشورهستی دگری (همان: ۲۰۸)
- سوره ی غافر، آیه ی ۶۵: «هُوَ الْحَيُّ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَادْعُوهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ.»
باکه گویم که چه می کشم از دست دلم؟ باتو گویم که ز احوال دلم با خبری (همان: ۲۱۰)
- سوره ی الاسراء، آیه ی ۹۶: «قُلْ كَفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ إِنَّهُ كَانَ بِعِبَادِهِ خَبِيرًا بَصِيرًا.»
در کشور دل حاکم فرمانروایی منگر به جز سلطان یهدی من یشارا (همان: ۲۴۶)
- سوره ی النور، آیه ی ۴۶: «لَقَدْ أَنْزَلْنَا آيَاتٍ مُّبِينَاتٍ وَاللَّهُ يَهْدِي مَن يَشَاءُ إِلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ»
گویی خلیل آساگر «وجهت وجهی» گرددتورا رازنهانی آشکارا (همان: ۲۴۶)
- سوره ی الانعام، آیه ی ۷۹: «إِنِّي وَجَّهْتُ وَجْهِيَ لِلذِّكْرِ فَطَرَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ حَنِيفًا وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ.»
مدان عیدان زمانی راکه برتن نوکنی جامه بودعیدان که دوراز خودنمایی خوی حیوانی (همان: ۲۷۳)
- حضرت علی (ع): «كُلُّ يَوْمٍ لَا يُعْصَى اللَّهُ فِيهِ فَهُوَ يَوْمٌ عِيدٍ.» (دستی، نهج البلاغه: ۴ ۱۰۰)
- چه قرآن آمده در ليله القدر ز قدرش می گشایدمرتوراصدر (همان: ۳۴۹)
- سوره ی مبارکه ی قدر، آیه ی ۱: «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ.»
بود در عسل منفعت بی شمار به قرآن ستوده است وی را خدای (همان: ۳۶۸)
- سوره ی نحل، آیه ی ۶۸: «وَ أَوْحَىٰ رَبُّكَ إِلَى النَّحْلِ أَنْ اتَّخِذِي مِنَ الْجِبَالِ بُيُوتًا وَمِنَ الشَّجَرِ وَمِمَّا يَعْرِشُونَ...»
آشکارا قیام بنموده یوم تبلی السرائر اشیا (همان: ۳۹۴)
- سوره ی الطارق، آیه ی ۹: «يَوْمَ تُبْلَى السَّرَائِرُ.»
شدخدایینی ات ز خودبینی رفت دینداری ات به دینارت (همان: ۳۹۶)

حدیث شریف نبوی: «مَنْ عَرَفَ نَفْسَهُ فَقَدْ عَرَفَ رَبَّهُ.»

به بسم الله الرحمن الرحيم است که عارف در مقام کن مقیم است (همان: ۴۰۱)

این بیت اشاره دارد به: کلمه ی «کن» کلمه امر وجودی است که جناب امام الموحیدین امیر المومنین (ع) فرمود: «بقول لما ارادکونه «کن» فیکون لا بصوت یقرع و لا بندا یمسح». ظهور همه ی اشیا به کلمه ی مبارکه ی «کن» است، بدین معنی که این کلمه نفس ظهور اشیا است. (همان، ج ۱: ۲۳۴)

که دائم خلق در خلق جدید است که از هر ذره صدحبه حصید است (همان: ۴۰۱)

«که از هر ذره صدحبه حصید است» اشاره دارد به آیه ی دهم از سوره ی مبارکه ی «قی» که فرمود: «و نزلنا من السماء ماءً مبارکاً فانبتنا به جناتٍ و حبّ الحصید» (همان، ج ۱: ۲۳۴)

سلام ما به قلب آفرینش به مشکوه و سراج اهل بینش (همان: ۴۰۲)

این بیت اشاره دارد به آیه ۴۵ سوره ی احزاب: «یا ایها النبی انا ارسلناک شاهداً و مبشراً و نذیراً و داعیاً الی الله باذنہ و سراجاً و منیراً» (همان، ج ۱: ۲۶۳)

ز وسع قلبش آن نور موید نبوت را شده ختم موید (همان: ۴۰۲)

اشاره دارد به: حدیث عرشی حضرت امام حسن مجتبی (ع) که فرمود: «چون خداوند قلب پیغمبر را از قلب های دیگر بزرگتر دید، او را به رتبت رسالت ختمی بر انگیخت.» (همان، ج ۱: ۲۷۵)

که حکم شرعی خیرالانام است جواب نامه چون رد سلام است (همان: ۴۰۳)

اشاره است به ابن محبوب، عن عبدالله بن سنان، عن ابی عبدالله (ع) قال: «رَدُّ جَوَابٍ كَوَجُوبِ رَدِّ السَّلَامِ وَ الْبَادِي بِالسَّلَامِ أَوْلَى بِاللَّهِ وَ رَسُولِهِ.» (همان، ج ۱: ۳۱۲)

عروس معنی شعری که عذراست چو امر قاولش را وجه از راست (همان: ۴۰۴)

اشاره دارد به شعرا آیه ی مبارکه ی ۲۲۴: «والشعراء يتبعهم الغاؤون» (همان، ج ۱: ۳۳۹)

که راوی در دل دفتر نوشته ست بهر یک بیته، بیته در بهشت است (همان: ۴۰۴)

اشاره دارد به: و آنکه فرمود: «که راوی... بیته در بهشت است» اشاره است به حدیثی از امام صادق (ع) که فرمود: «من قال فینا بیت شعر بنی الله له بیتاً فی الجنة.» و نیز آن امام به حق ناطق فرموده است: «مَنْ انشَدَ فی الحسن (ع) بیتاً من شعر فیکفی أو تباکفی فله الجنة.» (همان، ج ۱: ۳۴۰)

اگر قرب فرائض راست لایق زهی عشق و زهی معشوق و عاشق (همان: ۴۰۵)

این بیت اشاره دارد به حدیث قرب فرائض: در قرب فرائض عبد چشم و گوشت و دست خدا می گردد.

در این قرب فریضه است که امیرالمؤمنین (ع) فرمود: «أنا عین الله و أنا ید الله و أنا لسان الله و أنا جنب الله و أنا باب الله.» (همان، ج ۱: ۳۴۶)

نمی دانم چه تقدیر و قضایی ست دلم را با دل شب آشنایی ست (همان: ۴۰۷)

این بیت اشاره دارد به: «یا ایها المزمّل قم اللیل آلاً قليلاً نصفه أو انقص منه قليلاً أو طد علیه ورّتل القرآن ترتیلاً انا سنلقى علیک قولاً ثقیلاً، انّ ناشئته اللیل هی اشدّ و طأ و أقوم قليلاً، ان لك فی انهار سبحاً طویلاً»

و در سوره ی اسراء فرمود: «سبحان الذی اسرى بعبدہ لیلاً من المسجد الحرام الی المسجد الاقصی» و «و من اللیل فتهجد به نافله لك عسی ان یبعثک ربک مقاماً محموداً» و در سوره ی دخان فرمود: «آنا انزلناه فی لیله مبارکه» و در قدر فرمود: «آنا انزلناه فی لیله القدر»

پس قدر شب را بدان که بزرگترین نزول و شریفترین عروج در شب بوده است؛ اما نزول: «آنا انزلناه فی لیله القدر» و اما عروج: «سبحان الذی اسرى بعبدہ لیلاً...» در روز مشغله و آمد و شد و اسباب انصراف انسان بسیار است؛ بخلاف شب که هنگام آرامش است. (همان، ج ۱: ۳۶۲)

که درشب، شب پره پرواز دارد ز پروازم چه چیزی باز دارد (همان: ۴۰۸)

اشاره دارد به حدیث شریف امام رضا (ع): «ان الاحتجاب عن الخلق لكثره ذنوبهم فاماهو فلا یخفی علیه خافیه فی آناء اللیل والنهار». (همان، ج ۱: ۳۸۱)

بیاید نزد اهل جنت آنگاه بگیرد اذن تا یابد در آن راه (همان: ۴۱۰)

«ناظر است به بخش دیگر روایت که حضرت فرمود: «بعد دن یستأذن علیهم فی الدخول». (همان، ج ۱: ۴۰۵)

نه صرف لفظ سین و لام و میم است سلامی گر تو را قلب سلیم است (همان: ۴۱۰)

این بیت اشاره دارد به این که جناب امام صادق (ع) فرمود: «القلب حرم الله فلا تسکن فی حرم الله غیر الله». (همان، ج ۱: ۴۱۶)

بماند سالم از دست و زیانت مسلمان در عصر و زمانت (همان: ۴۱۰)

بیت اشاره دارد به روایتی از جناب ختمی (ص): «المسلم من سلم المسلمون من یده ولسانه». (همان، ج ۱: ۴۱۷)

که حق سبحانه در ص قرآن چو فرماید ز استکبار شیطان

در آن گفت و شنود با عتابش نباشد واسطه اندر خطابش (همان: ۴۱۱)

این ۲ بیت اشاره دارند به آیه ی ۷۵ شوره ی ص که خداوند به ابلیس فرمود: «قال یا ابلیس ما مَنَعَكَ اَنْ تسجُدَ لما خلقتُ بیدئاً استکبرت ام کنتَ من الغالین». (همان، ج ۱: ۴۲۱)

که این نامه بود از حیّ قیوم به سوی حیّ القیوم (همان: ۴۱۱)

این بیت اشاره دارد به فرمان در نامه که جناب رسول الله (ص) فرمود: که خداوند در آن نامه می فرماید: «من حیّ القیوم الذی لا یموت الی حیّ القیوم الذی لا یموت اما بعد فآئی اقول للشیء کن فیکون و قد جعلتک الیوم تقول للشیء کن فیکون». (همان، ج ۱: ۴۲۷)

و یا با این که در جایث مقیمی چو آصف آوری عرش عظیمی (همان: ۴۱۲)

این بیت اشاره دارد به آیات ۳۸ تا ۷۰ سوره ی نمل در نورد آوردن عرش و تخت بلقیس از سبا یمن به شام است که جناب حشمت الله سلیمان نبی (ع) فرمود: «قال یا ایها الملؤا ایتکم یأتینی بعرشا قبل أن یأتونی مسلمین و...» (همان، ج ۱: ۴۳۲)

به بسم الله الرحمن الرحیم است که عارف محیی عظم رمیم است (همان: ۴۱۴)

این بیت اشاره دارد به عظیم رمیم یعنی استخوان پوسیده و کهنه که آن عرب بیابانی استخوان های پوسیده ای را بدست گرفته بود و آمد نزد جناب رسول الله (ص) و عرضه داشت: «قال من یحیی العظام وهی رمیم» این استخوان های پوسیده را باز که زنده می کند؟ (همان، ج ۱: ۴۴۸)

چو خود اسم ولی کردگار است نفخت فیه من روحی شعار است (همان: ۴۱۴)

اشاره دارد به سوره ی مبارکه حجر آیه ی ۳۰: «نفخت فیه من روحی.»

به نفخی جان دهد بر شکل بی جان خرد از او چو مار سلّه پیچان (همان: ۴۱۴)

این بیت اشاره دارد به: «آنی أخلق لکم من الطین کهیئته الطیر فأنفخ فیه فیکون طیراً باذن الله» که حضرت روح الله به مردم فرمود: من از طرف خدا معجزی آوردم و آن این است که از گل مجسمه مرغی ساخته و بر آن نفس قدسی بدمم تا به امر خدا مرغی گردد. (صمدی، ج ۱: ۴۵۲)

به گاو مُرده با پایش کند هی از آن هی گاو مرده شود حی (همان: ۴۱۴)

این بیت اشاره دارد به: احیاء بقره مرده در منی توسط حضرت امام جعفر صادق (ع) است. (ج ۱: ۴۵۳)

به امرش شیر پرده شیر گردد بغرد در دم آدم گیر گردد (همان: ۴۱۴)

این بیت اشاره دارد به دست تصرف جناب امام هشتم (ع) بر نقش شیر در پرده که به امر حضرت آن نقش شیر و عکس آن بر پرده، شیر حقیقی عینی شد. (همان، ج ۱: ۴۵۳)

ز گل سازد همی بر هیأت طیر دمد در او شود طیر کند سیر (همان: ۴۱۴)

این بیت اشاره دارد به آیه ی مبارکه ۲۶۰ از سوره ی مبارکه بقره که از جناب خلیل حکایت می نماید. «واذ قال ابراهیم ارنی کیف تحیی الموتی قال اولم تؤمن قال بلی ...» (همان، ج ۱: ۴۵۶).

به بسم الله الرحمن الرحیم است که عارف صاحب خلق عظیم است (همان: ۴۱۵)

مصرع دوم این بیت دارد به آیه ی کریمه ی چهارم از سوره مبارکه قلم که فرمود: «و اَنک لَعَلی خُلِقِ» و در حقیقت تونیکو خلقی عظیم آراسته ای. (همان، ج ۱: ۴۷۱)

تو را زینت بود نام الهی به از این تاج کرمنا چه خواهی (همان: ۴۱۶)

این بیت اشاره دارد به آیه ی مبارکه ی هفتاد از سوره اسراء که فرمود: «و لقد کرمنا بنی آدم و حَمَلناهم فی التبر و البحر و رزقناهم من الطیات و فضلناهم علی کثیر ممّن خلقنا تفضیلاً.» (همان، ج ۱: ۴۷۷)

چه در دنیا و در عقبی ولیّ است لسان صدق یوسف نبیّ است (همان: ۴۱۶)

اشاره دارد به آیه ی صدو دوم سوره مبارکه ی یوسف که فرمود: «ربّ قد اتیتنی من المُلک و علّمتنی من تأویل الاحادیث فاطر السموات و الارض انت ولیّی فی الدنیا و الآخرة» (همان، ج ۱: ۴۸۲)

حدیث حضرت ختمی مآب ست که بسم الله کلید هر کتاب ست (همان: ۴۱۸)

این بیت اشاره دارد به حدیث شریف امام صادق (ع) فرمود: «ما انزل الله من السماء کتاباً آلاً و فاتحته بسم الله الرحمن الرحیم ...» (همان، ج ۱: ۵۱۸)

کتابی را که فرموده است به اطلاق کتاب انفسی می خوان و آفاق (م همان: ۴۱۸)

این بیت اشاره دارد به سوره ی مبارکه فصلت آیه ی ۵۵ که فرمود: «سنریهم آیاتنا فی الأفاق و فی انفسهم و فی انفسهم حتی یتبین لهم أنّه الحق.» (همان، ج ۱: ۵۲۰)

تو را گر معرفت گردیده حاصل به آفاقی توانی گشت واصل (همان: ۴۱۸)

اشاره دارد به سخن مولی صدرا که در اسفار می گوید: «مفتاح العلوم بیوم القیامه و معادالخلایق هو معرفه النفس و مراتبها.» (همان، ج ۱: ۵۲۷)

که تفسیر ار کنم نقطه بی را لَقَدْ أَوْفَرْتُ سَبْعِينَ بَعِیرًا (همان: ۴۱۹)

این بیت اشاره دارد به روایتی عارف متأله سید حیدر آملی در رساله ی نقد النقود و جامع الاسرار از امیر المومنین (ع) نقل کرده است «لو شئت لأوفرتُ بَعِیراً من شرح باء بسم الله الرحمن الرحیم.» (همان، ج ۱: ۵۴۲)

که گردی قابل فیض الهی نمایندت همه اشیا کماهی (همان: ۴۲۱)

این بیت اشاره دارد به جناب رسول اکرم (ص) از ربّ خودش شهود حقایق اشیا را طلب نمود «ربّ ارنی الاشیا کماهی» به من اشیا را آن طوری که هستند نشان بده. (همان، ج ۱: ۵۵۷)

برو بر خوان اُتینا طائِعین را جواب آسمان ها و زمین را (همان: ۴۲۳)

این بیت اشاره دارد به اقتباس از آیه ی یازدهم از سوره مبارکه فصلت که فرمود: «ثم استوی الی السماء و هی دخان فقال لها و للارض ائتیا طوعاً او کرهاً قالتا اُتینا طائِعین» (همان، ج ۱: ۵۸۵)

ز سجّاد است این تحفه که مخلوق همه از سفره ی حقّ اند مرزوق (همان: ۴۲۴)

این بیت اشاره دارد به بیان گران قدر و عرشی حضرت امام سجّاد (ع): «همه ی موجودات یعنی ماسوی الله مرزوق به رزق وجوداندوهمگان سرسفره ی وجود نشسته اندودارندارتزاق می نمایند.» (همان، ج ۱: ۵۹۳)

برین خوان آن کسی بنشسته باشد که می باید دلش بشسکته باشد (م همان: ۴۲۴)

این بیت اشاره دارد به حدیث قدسی آمده است که «أنا عندالمنکسره قلوبهم.» ره یافته گان وصال، دل شکسته هایی اند که سلاحشان را ناله و آه تشکیل می دهد. «و سلاحه بکاء.» (همان، ج ۱: ۵۹۹)

تو را حبّ مقام و جاه دنیا فرو آورده از اعلیٰ به ادنی (همان: ۴۲۵)

این بیت اشاره دارد به دوستی و مقام و خواستن مقام دنیوی، اورا از اعلیٰ علیین به اسفل سافلین سقوط داده ست که «ثم ردّناه اسفل سافلین» و همچنین «حبّ الدنیا رأس کل خطیئه». (همان، ج ۱: ۶۰۰)

قساوت بر دل تو چیره گشته دو دیده تیره و سر خیره گشته (همان: ۴۲۵)

این بیت اشاره دارد به آیه ی ۲۲ سوره ی مبارکه زمر که فرمود: «فویل للقاسیه قلبوهم من ذکر الله اولئک فی ضلال مبین.» (همان، ج ۱: ۶۰۰)

برایت سفره ای گسترده باشد طعام آن حیات مرده باشد (همان: ۴۲۶)

این بیت اشاره دارد به روایت از رسول الله (ص): «القرآن مأذبه الله» قرآن سفره ی الهی است. (همان، ج ۱: ۶۰۷)

و آخرون مرجون نخواندی که اندر نکبت بخلت بماندی (همان: ۴۲۶)

این بیت اقتباس شده است از آیه ی صد و هفتم از سوره ی توبه که فرمود: «و آخرون مُرَجُون لامر الله اما یعدّبهم و اما یتوب علیهم و الله علیم حکیم.» (همان، ج ۱: ۶۱۱)

که جای نور علم یقذف الله نیابی اندراین انبار پُر گاه (همان: ۴۲۷)

علم یقذف الله در مصراع اول اشاره به حدیث شریفی که از جناب رسول الله مأثور است که فرمود: «العلم نورٌ یقذفه الله فی قلب من یشا.» (همان، ج ۱: ۶۱۵)

مفاد لا احبّ الاقلین است که باقی وجه ربّ العالمین است (همان: ۴۲۸)

این بیت اشاره دارد به آیه ی انعام که فرمود: «فلَمَّا جَنَّ عَلَیْهِ اللَّیْلُ رَأَىٰ کَوْكَبًا قَالِ هَذَا رَبِّی فَلَمَّا أَفَلَ قَالَ لَا أُحِبُّ الْاَقْلَیْنِ.» (همان، ج ۱: ۶۲۲)

چو ابراهیم و یوسف باش ذاکر جناب حق تعالی را به فاطر (همان: ۴۲۹)

اشاره دارد به دو آیه ی مبارکه ی ۵۷ از سوره ی انبیا و ۱۰۲ از سوره ی یوسف که فرمود: «قال بل ربّکم ربّ السموات والارض الّذی فطرهنّ»، «فاطر السموات والارض انت ولّی فی الدنیاوالآخرة» (همان، ج ۱: ۶۲۸)

بود این سفره اش بی هیچ وسواس ز بدو فاتحه تا آخر ناس (همان: ۴۳۱)

این بیت اشاره دارد به آیه ی کریمه ی: «ذلک الکتاب لا ریب فیهِ هدی للمتقین.» (همان، ج ۱: ۶۵۰)

ادب آموز نبود غیر قرآن که قرآن مأذبه است از لطف رحمان (همان: ۴۳۴)

اشاره به حدیثی دارد که جناب سید مرتضی علم الهدی از حضرت رسول الله (ص) نقل کرده است: «انّ هذا القرآن مأذبه الله فتعلموا مأذبه ما استطعتم، وان اصفرالبیوت لبيت - لجوف، خ ل - اصفرمن کتاب الله.» (همان، ج ۱: ۶۷۵)

نگر در سوره ی رحمن که انسان بود در بین دو تعلیم رحمان (همان: ۴۳۴)

اشاره دارد به آیات مبارکه ی الرحمن: «الرّحمن، علّم القرآن، خلق الانسان، علّمه البیان» (همان، ج ۱: ۶۷۶)

بلی این حکم چون آب زلال است که بعد از حق فقط راه ضلال است (همان: ۴۳۶)

این بیت اشاره دارد به آیه ی ۳۲ سوره ی یونس که فرمود: «فَذَلِكُمْ اللَّهُ رَبُّكُمُ فَماذَا بَعْدَ الْحَقِّ إِلَّا الضَّلَالُ فَأَنَّى تُصْرَفُونَ.» (همان، ج ۲: ۳۳)

صراط الله تویی میباش بیدار خودت را بر صراط حق نگه دار (همان: ۴۳۶)

این بیت در مصراع اولش اشاره دارد به حدیث امام صادق (ع) که فرمود: «صورت انسانی همان طریق مستقیم الهی است که به سوی هر خیری رهسپار است.» (همان، ج ۲: ۳۴)

که هر اسم خداوند است اعظم چه او واحد قهار است فافهم (همان: ۴۴۰)

این بیت اشاره دارد به باب نوزدهم مصباح الشریعه: «سئل رسول الله (ص) عن اسم الله الأعظم، فقال: «كل اسم من أسماء الله اعظم ففرّج قلبك عن كل ما سواه و ادعه بأى اسم شئت فليس فى الحديقه لله اسم دون اسم بل هو الله الواحد القهار.» (همان، ج ۲: ۵۴)

به بسم الله الرحمن الرحيم است دلی کو اعظم از عرش عظیم است (همان: ۴۴۳)

اشاره به همان حدیث معروف دارد که فرمود: «قلب المومن عرش الله الاعظم.» (همان، ج ۲: ۷۳)

که دل یکتا حرم باشد خدا را پس اندر وی مده جا ما سوا را (همان: ۴۴۳)

این بیت اشاره به حدیث شریفی از امام ناطق، صادق آل محمد (ع) دارد که در آخر جامع الاخبار صدوق (قد) نقل شد که: «القلب حرم الله فلا تسكن فى حرم الله غير الله.» (همان، ج ۲: ۷۴)

عروج اندر شب است و گوش دل ده به سبحان الذی اسرى بعبده (همان: ۴۴۵)

این بیت اشاره دارد به «و هو بالأفق الأعلى ثمّ دنا فتدلى فكان قاب قوسين أو أدنى» سوره ی مبارکه ی نجم، «سبحان الذی اسرى بعبده ليلاً من المسجد الحرام الآية» سوره ی مبارکه ی اسراء. (همان، ج ۲: ۸۷)

گشم من عاشقم را تا سزایش دهم خود را برای خون بهایش (همان: ۴۴۷)

اشاره دارد به حدیث قدسی: «من طلبنى وجدنى و من وجدنى عرفنى و من عرفنى أحببني و من أحببني عشقنى، و من عشقنى عشقته، و من عشقته قتلته، و من قتلته فعلىّ ديته، و من علىّ ديته فأنا ديته.» (همان، ج ۲: ۱۰۰)

گرت اوفوا بعهدى در شهود است و جوب امر اوفوا بالعقود است (همان: ۴۴۷)

مصراع اول به آیه ی چهلهم سوره بقره اشاره دارد: «وَأوفوا بعهدي أوف بعهديكم و ايتاي فارهبون.» و مصراع دوم به آیه ی یکم سوره ی مائده اشاره دارد: يا ايها الذين آمنوا أوفوا بالعقود.» (همان، ج ۲: ۱۰۷)

که تا از بیت خود گردی مهاجر سوی حق و سوی خیر مظاهر (همان: ۴۴۷)

این بیت اشاره دارد به این که: انسان کامل است که ان ربك المنتهى است. (همان، ج ۲: ۱۰۸)

چو شد تا دولت موت تو حاضر خدا اجر تو گردد ای مهاجر (همان: ۴۴۸)

این بیت به آیه ی صدم سوره ی نساء اشاره دارد که: «و من یخرج من بیته مهاجراً الی الله و رسوله ثم یدرکه الموت فقد وقع اجره علی الله.» و جناب وصی (ع) فرمود: «موتوا قبل أن تموتوا.» (همان، ج ۲: ۱۱۰)

روا نبود در آن نقطه ی تعطیل ندارد سنت اش تبدیل و تحویل (همان: ۴۵۰)

این بیت به آیه ی ۴۳ سوره ی فاطر اشاره دارد که فرمود: «فلن تجد لسنّتِ الله تبدیلاً و لن تجد لسنّتِ الله تحویلاً.» (همان، ج ۲: ۱۲۴)

إله آسمان است و زمین است چه پنداری جدا از آن و این است (همان: ۴۵۱)

این بیت به آیه ی ۸۴ سوره ی زخرف اشاره دارد که فرمود: «و هو الّذی فی السّماءِ إلهٌ و فی الارضِ إلهٌ و هو الحکیم العلیم.» (همان، ج ۲: ۱۳۰)

بلی این دانه ها حبّ حصید است امید اندر لدینا و مزید است (همان: ۴۵۳)

این بیت اشاره دارد به این که: «مَنْ حَشَى الرحمنَ و جاءَ بقلبِ سلیم، أدخلوها بسلامٍ ذلک یوم الخلود لهم ما یشاءونَ فیها و لدینا مزید.» (همان، ج ۲: ۱۴۷)

حدیث من رأی قد رأی الله ترا در این معانی می برد راه (همان: ۴۵۸)

به حدیثی از جناب رسول الله (ص) اشاره دارد که فرمود: «من رأی فقد رأی الله.» (همان، ج ۲: ۱۸۹)

تو در حرث نسایی گر چه حارث خداوند تو زارع هست و باعث (همان: ۴۶۴)

این بیت اشاره به آیه ی شریفه ی ۲۲۳ سوره ی بقره دارد که فرمود: «نساء کم حرث لکم» زنان شما کشتزار شمایند و مصراع دوم اشاره به آیه ی شریفه ی ۶۲ و ۶۳ سوره ی واقعه دارد که فرمود: «أفرأیتُم ما تحرثونَ ءانتم تزرعونه ام نحن الزارعون» (همان، ج ۲: ۲۲۴)

ز سیر حَبّی ماء حیاتی بروید ز ابتدا شاخ نباتی (همان: ۴۶۵)

مصراع دوم این بیت اشاره دارد به آیه ی ۳۸ سوره ی آل عمران که فرمود: «فتقبّلها ربّها بقبولٍ حسنٍ و أنبتّها نباتاً حسناً.» (همان، ج ۲: ۲۳۰)

تعالی الله که از «حماءِ مسنون» مثال خویش را آورده بیرون (همان: ۴۶۵)

این بیت اشاره به آیه ی ۲۶ سوره ی حجر دارد که فرمود: «و لقد خلقنا الانسان من صلصالٍ من حماءِ مسنون» و آیه ۲۸ و ۳۲ سوره ی حجر که به مضمون آیه ی مذکور است می باشد. (همان، ج ۲: ۲۳۲-۲۳۱)

یکی «أكلو من فوق» است و دیگر بود از «تحت ارجل» ای برادر (همان: ۴۶۶)

این بیت اشاره دارد به طرق ارتزاق عقلانی و قلبی که در آیه ی ۶۷ سوره ی مائده «ولوا نهم أقاموا التوریه و الإنجیل و ما أنزل الیهم من ربّهم لأکلوا من فوقهم و من تحت أرجلهم.» (همان، ج ۲: ۲۳۴)

نه کفرانست بلکه عزم و همت نمودم جزم و در تحدیث نعمت (همان: ۴۷۳)

این بیت اشاره به آیه ی پایانی سوره ی «ضحی»: «فَمَا الْيَتِيمَ فَلَا تَقْهَرْ وَا مَا السَّائِلَ فَلَا تَنْهَرْ وَا مَا بِنِعْمَةِ رَبِّكَ فَحَدِّثْ.» (همان، ج ۲: ۲۶۸)

کلام حضرت پروردگار است مثله کمثل الحمار است (همان: ۴۷۴)

این بیت اشاره دارد به آیه ی ششم سوره ی جمعه که فرمود: «مَثَلُ الَّذِينَ حَمَلُوا التَّوْرَةَ كَمَثَلِ الْحِمَارِ يَحْمِلُ أَسْفَارًا بُئِسَ مَثَلُ الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَا اللَّهُ يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ.» (همان، ج ۲: ۲۷۲)

نشد تا جان تو بی عیب و بی ریب دری روی تو نگشایند از غیب (۴۷۷)

این بیت اشاره دارد به آیه ی ۳۲ سوره ی نحل که فرمود: «الْمَتَّقِينَ الَّذِينَ تَتَوَفَّيهِمُ الْمَلَائِكَةُ طَيِّبِينَ يَقُولُونَ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ ادْخُلُوا الْجَنَّةَ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ.» (همان، ج ۲: ۲۸۳)

ترا تبلی السرائر هست در پیش نگر جوانی و برآنی خویش (همان: ۴۷۸)

مصراع اول این بیت اشاره دارد به آیه ی دهم سوره ی طارق که فرمود: «يَوْمَ تَبْلَى السَّرَائِرُ»؛ و مصراع دوم این بیت اشاره دارد به حدیث جناب شیخ بهایی که در صفحه ی ۲۵۱ کَشْكُولِ چاپ نجم الدوله نقل کرده است. «عن امیر المومنین (ع) قال قال رسول الله (ص) ما من عبد الا وله جوانی و برآنی یعنی سریره و علانیته فمن اصلح جوانیته اصلح الله برآنیته ومن افسد جوانیته من افسد برآنیته الحدیث (همان، ج ۲: ۲۸۴)

شنیدی سبق رحمت بر غضب را ندانستی یکی امر عجب را (همان: ۴۸۰)

این بیت اشاره دارد به حدیث شریف قدسی که فرمود: «إِنَّ رَحْمَتِي سَبَقَتْ غَضَبِي.» (همان، ج ۲: ۲۹۰)

که قول حق نه تفویض و نه جبر است که آن گبر است و این بدتر ز گبر است (همان: ۴۸۱)

این بیت اشاره دارد به روایاتی که تفویضی ها (قدری ها) را مجوس می داند. در سنن ابو داود روایتی بدین صورت از رسول الله نقل شده است که فرمود: «الْقَدْرِيَّةُ مَجُوسٌ هَذِهِ الْأُمَّةُ انْ مَرَضُوا فَلَا تَعُودُ وَا هُمْ وَا انْ مَاتُوا فَلَا تَشْهَدُوهُمْ» (همان، ج ۲: ۲۹۹)

که در جزیی به کلّ خود حنین است «يَحِبُّهُمْ وَا يَحْبُونَهُ» این است (همان: ۴۸۷)

مصراع دوم این بیت اشاره دارد به آیه ی ۵۵ سوره ی مائده که فرمود: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهَ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَا يُحْبُونَهُ أَذِلَّةٌ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ.» (همان، ج ۲: ۳۳۵)

به بسم الله الرحمن الرحيم است ظهوری کز حدیث و کز قدیم است (همان: ۴۸۸)

اشاره دارد به حدیثی از امیرالمومنین (ع): «ظَهَرَتِ الْمَوْجُودَاتُ عَنْ بَسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ.» (همان، ج ۲: ۳۴۵)

به بسم الله الرحمن الرحيم است که آن اصحاب کهفست ورقیم است (همان: ۴۹۱)

این بیت اشاره دارد به: «أَمْ حَسِبْتَ أَنَّ أَصْحَابَ الْكَهْفِ وَا الرَّقِيمِ كَانُوا مِنْ آيَاتِنَا عَجَبًا» (همان، ج ۲: ۳۶۷)

امام صادق (ع) آن قرآن ناطق که فتیه بوده اند پیران صادق (همان: ۴۹۱)

این بیت اشاره دارد به آیه ی نهم الی چهاردهم سوره ی کهف و تفسیر روایی آن که از حضرت امام بحق ناطق، صادق آل محمد (ص) است که فرمود: «إذ أوى الفتيّة الى الكهف» و «إنهم فتيّة آمنوا برّبهم مزدنأهم هدى و ربطنا على قلوبهم اذ قاموا فقالوا ربّنا ربّ السموات و الارض...» (همان، ج ۲: ۳۷۸)

منی بذر و نسا حرث و تو حارث بجز تو حاصلت را کیست وارث (همان: ۴۹۲)

این بیت اشاره دارد به آیه ی ۲۲۴ سوره ی بقره که فرمود: «نساء کم حرث لکم، فأتو حرثکم أتی شتتم» زنان شما کشتزار شمایند پس برای کشت بدانها نزدیک شوید. (همان، ج ۲: ۳۸۷)

«تَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي» شنیدی ولی اطوار نفخش را ندیدی (همان: ۴۹۳)

آیه ی ۳۰ سوره ی حجر که فرمود: «فاذا سوّيته ونفخت فيه من رُوحِي ففَعُوا له ساجدين» (همان، ج ۲: ۳۸۷)

خزائن را که از احصا فزون است شنیدی آنکه بین کاف و نون است (همان: ۵۰۱)

مصراع اول این بیت اشاره دارد به آیه ی ۲۲ سوره ی حجر که فرمود: «وإن من شيء أآ عندنا خزائنه و ما نزله أآ بقدر معلوم» (همان، ج ۲: ۴۷۴)

که عین «کنت کنزاً» آن جناب است دهن بندم که خاموشی صواب است (همان: ۵۰۲)

«کنت کنزاً» اشاره دارد به حدیث قدسی معروفی در صحف عرفانیه که حق تعالی فرمود: «کنت کنزاً مخفياً فأحببت أن أعرف، فخلقت الخلق لكي أعرف.» (همان، ج ۲: ۶۷۹)

شنو در واقعه از حق تعالی «لقد علمتم النشأة الأولى» (همان: ۵۰۶)

اشاره دارد به حدیثی از امام زین العابدین (ع): «فی الکافی عن السجاد (ع): العجب کل العجب لمن انکر النشأة الأخری و هو یری النشأة الأولى»؛ که جناب فیض در تفسیر صافی ذیل آیه ی سوره ی مبارکه ی واقعه آورده است. (همان، ج ۲: ۵۰۹)

بیا بر خوان تو «نحن الزارعون» را بیایی زارع بی چند و چون را (همان: ۵۰۶)

این بیت اشاره دارد به آیه ی ۶۴ سوره ی بقره که فرمود: «أنتم تزرعونه ام نحن الزارعون». آیا شما از خاک آن تخم را می روینید یا ما روینیدیم؟! (همان، ج ۲: ۵۱۳)

که بر شاکلت خود هست عامل چه «کلّ يعمل» را اوست قائل (همان: ۵۰۶)

این بیت اشاره دارد به آیه ی ۸۴ سوره ی بقره: «قل کلّ يعمل علی شاکلته». (همان، ج ۲: ۵۱۳)

ز «الف سنة» هم می باش عارج به «خمسین الف سنة» معارج (همان: ۵۰۷)

این بیت اشاره دارد به آیه ی ۵ سوره ی سجده که فرمود: «بدبّر الامر من السماء ال الارض ثم يعرج الیه فی یومٍ کان مقداره الف سنة مما تعدون» ودر سوره ی معارج می خوانید: «تعرج الملائكة و الرّوح الیه فی یومٍ کان مقداره خمسین الف سنة».

(همان، ج ۲: ۵۱۵)

زمین و آسمان و ماه و خورشید همه تسبیح او گویند و توحید (همان: ۵۱۴)

اشاره دارد به: «یسبح لله مافی السموات ومافی الارض». «وله اسلم من فی السموات والارض». (آل عمران) (همان، ج ۲: ۵۶۰)

خوشا آنگاهی که با ماه و ستاره دو چشم سالک آید در نظاره (همان: ۵۱۶)

این بیت اشاره دارد به روایتی که مجمع البیان ذیل آیه ی ۱۹۱ و ۱۹۲ آل عمران که فرمود: «ان فی خلق السموات و الارض و

اختلاف اللیل و النهار لآیات لا ولی اللباب الذین...» (همان، ج ۲: ۵۶۷)

زهی قرب تدنی و تدلی ز اشراقات انوار تجلی (همان: ۵۱۶)

این بیت اشاره دارد به حدیث شریفی که در ذیل فصل اول مقدمه محقق قیصری بر فصوص الحکم آمده است که فرمود: «لو دلیمت بحبل لهبط علی الله». و در صفحه ی ۳۸۹ شرح فصوص قیصری در متن فص ایوبی فصوص نیز به همین عبارت است که:

«وهوقوله (ع) لودلیمت بحبل لهبط علی الله.» (همان، ج ۲: ۵۷۱)

ز تقدیر عزیز است و علیم است که شکلش همچو عرجون قدیم است (همان: ۵۱۸)

این بیت اشاره دارد به آیات ۳۹ و ۴۰ سوره ی یس که فرمود: «و الشمس تجری لمستقر لها ذلک تقدیر العزیز العلیم و القمر

قدزناه منازل حتی عاد کالعرجون القدیم.» (همان، ج ۲: ۵۸۱)

نماید سینه ات را جرحه جرحه چو همّام شریحت شرحه شرحه (همان: ۵۱۸)

این بیت اشاره دارد به جناب همّام بن شریح که در خطبه ی متقین نهج البلاغه آمده است. ایشان به محضر عرشی حضرت

امیرالمومنین (ع) مشرف شد. (همان، ج ۲: ۵۸۴)

تو مؤمن باش پس میباش آمن که مؤمن هست خود مرآت مؤمن (همان: ۵۲۰)

این بیت اشاره دارد به این که یکی از نامهای بی شمار حق سبحانه «مومن» است و یکی از اوصاف عبد نیز «مومن» است که:

«المومن مرآت المومن.» (همان، ج ۲: ۶۰۶)

چو گردد این دو آینه برابر نهادی تاج کرّمناش بر سر (همان: ۵۲۰)

این بیت اشاره دارد به سوره ی اسراء آیه ی کریمه ۷۰: «و لقد کرّمنا بنی آدم و حملناهم فی البرّ و البحر و رزقناهم من

الطیبات و فضلناهم علی کثیر ممّن خلقنا تفضیلاً» (همان، ج ۲: ۶۰۸)

ز بس تجدید امثالش حدید است و همّ فی لبس من خلق جدید است (همان: ۵۲۲)

مصراع دوم این بیت اشاره دارد سوره مبارکه ی ق آیه ی ۱۵: «أفعبینا بالخلق الاول بل همّ فی لبس من خلق جدید» است.

(همان، ج ۲: ۶۱۶)

بخوانم رقیه جفّ القلم را بیوشانم سر بثر العّلم را (همان: ۵۲۴)

در این بیت «بثر العّلم» اشاره دارد به حدیث معروف «بثر ذات العّلم» از امیرالمومنین (ع) که در کتاب قیمة «مدینه المعاجز»

بطور اختصار از ابن شهر آشوب نقل شده است. (همان، ج ۲: ۶۲۹)

دل من درمیان اصبعینت نمود من بود از علم عینت (همان: ۵۲۹)

اشاره است به حدیث شریف معروف که در جامع الاسرار سید حیدر آملی از جناب نبی مکرم اسلام (ص) نقل شده است: «قلب المؤمن بین اصبعین من اصابع الرحمن» (صمدی، ج ۲: ۶۴۴)

۶- نتیجه گیری

باتوجه به پژوهش نوشته شده، می توان گفت:

- آثار هنری زمانی ماندگار و تأثیرگذار خواهد شد که از متن مردم و برای مردم برگرفته باشد و زمانی ماندگارتر و تأثیرگذارتر خواهد بود که با سرچشمه ی فیض انوار الهی، قرآن کریم و سخنان ائمه ی معصومین (علیهم السلام) پیوسته باشد؛ باتوجه به این پژوهش درمی یابیم که اشعار علامه ی بزرگوار سرشار از این ویژگی است.
- حضرت علامه حسن زاده ی آملی، آگاهانه و با احاطه ی کامل از علوم قرآنی و احادیث برای آفرینش اشعار خود بهره گرفته اند و تأثیرپذیری آن ها به ویژه قرآن در اشعارشان کاملاً دیده می شود.
- علامه عارف وارسته ی عصر کنونی ما است؛ اشعارشان جز عرفان چیز دیگری نیست و علامه با توانمندی، عرفان و قرآن و احادیث ائمه را چاشنی ادب پارسی نموده اند و نمونه ی بارزی از آمیختگی ادب و عرفان است.
- علامه علاوه بر مہارت و توانایی به کارگیری هنری قرآن و احادیث و روایات، بر ادبیات عرب آشنایی و تسلط کامل دارند.
- به خوبی در اشعار علامه نقش پررنگ ولایت پذیری و شیعه و پیروی از ائمه بزرگوار (علیه السلام) را مشاهده می توان کرد.

منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم.
۲. بدیعی، محمد. (۱۳۹۰). در آسمان معرفت. چاپ نهم، انتشارات تشیع.
۳. برزگر، محسن. (۱۳۹۰). نجم الدین آملی. چاپ ششم، ناشر اشک یاس.
۴. دشتی، محمد. (۱۳۷۸). نهج البلاغه. نشر ظهور.
۵. صمدی آملی، داوود. (۱۳۷۹). شرح دفتر دل. چاپ اول، قم، انتشارات نبوغ.
۶. فشارکی، محمد. (۱۳۸۷). نقد بدیع. چاپ دوم، تهران، انتشارات سمت.
۷. قمی، عباس. (۱۴۱۶). مفاتیح الجنان. بی تا.
۸. نوری، میرزا حسی. (۱۳۷۸). مستدرک الوسائل. نشر مؤسسه ی آل البیت.
۹. معین، محمد. (۱۳۸۱). فرهنگ فارسی. چاپ نوزدهم، تهران، انتشارات امیرکبیر.
۱۰. هاشمی، سید سعید. (۱۳۹۱). دیوان اشعار علامه حسن زاده ی آملی. چاپ اول، نشر الف. لام. میم.

منابع الکترونیکی

- مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی؛ (فروردین ۱۳۹۳).
- مؤسسه ی فرهنگی و اطلاع رسانی تبیان؛ (اسفند ۱۳۹۲).

Reflection of the Quran and Sayings and Traditions in Allameh Hasanzadeh Amoli's Poems

Javad Abedi

Master of Persian Language and Literature, Islamic Azad University, Chalus Branch

Abstract

What would be pleasant and beautiful prose, using literary devices correctly and the peak is where the speech is taken from the only source of the world, God, and the Quran and the sayings of Imams and if the artwork combined with this feature, it will be persistent and effective. Allameh Hassan Hassanzadeh is mystic pious who left poetry that is shown his art in the field of literary (music, poem, expression and exquisite. He is so familiar to teaching Quranic sciences, the sayings and traditions and the words of elders that in different literary ways, especially allusion, in composing poems have benefited. This article is an attempt to represent and identify the source of the Quran and the sayings (Hadith) and traditions reflected in the lyrics of Allameh Hassanzadeh Amoli poems that are done in descriptive-analytical way.

Keywords: Poetry, Allameh Hassazadeh Amoli, Quran and sayings Hadith), allusion
